

در حریم دوست



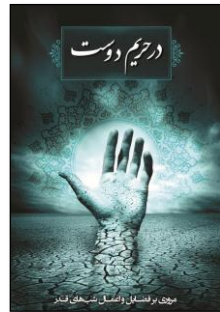
مروری بر فضایل و اعمال شب‌های قدر

در حقیقت فاطمه علیها السلام همان لیلۃ القدر
 است. هر کس فاطمه علیها السلام را
 به حقیقت معرفتش بشناسد،
 به تحقیق، شب قدر را
 درک کرده است.
 امام محمد باقر علیه السلام



فهرست:

- ۲..... مرا به خویش وا مگذار.
- ۴..... کعبه‌ای به نام شب قدر.
- ۷..... نقش انسان در مقدرات شب قدر
- ۸..... شناساندن شب قدر
- ۹..... احیاء شب قدر حتی در حال بیماری.
- ۱۰..... تشویق به راز و نیاز.
- ۱۰..... نکوهش بهره نبردن از شب قدر
- ۱۲..... شب قدر مکمل اعمال صالح
- ۱۳..... اعمال نتیجه بخش در شب قدر
- ۱۴..... مهدی موعود علیه السلام صاحب شب قدر
- ۱۷..... اعمال شب‌های قدر
- ۱۷..... اعمال مشترکه شب قدر
- ۲۰..... اعمال شب نوزدهم
- ۲۱..... اعمال شب بیست و یکم
- ۲۳..... اعمال شب بیست و سوم
- ۲۵..... اعمال شب بیست و هفتم
- ۲۶..... او همچنان ناشناخته است



در حرم دوست

سیری در فضیلت و اعمال شب‌های قدر

تقدیم به ساحت مقدس حضرت صدیقه طاهره

زهرا علیها السلام مرضیه



Aflakiyan@chmail.ir

مرا به خویش وامگذار...

شب قدر، بال گشودن فرشتگان و عرشیان، روی زمین دیدنی است. ستارگان با نورافشانی زیبای شان اشک‌های سوز و توبه‌بندگان گنه‌کار را در اوج نگاه‌های شان و در آسمان عشق منعکس می‌کنند. آری، دست‌های نیاز سوی خداوند بلند شده است تا از عطر رحمت او سرشار شوند.

اطرافم را می‌نگرم. همه‌جا پر شده است از بوی رحمت و مهربانی و عشق خداوندی. همه جا لبریز ناله‌سوزناک عاشقان الهی است. نواهای عاشقانه با آوایی عطشناک، تشنگی روح‌های سرگردان در کویر دنیا را

سر می‌دهند و با ناله‌های «بِکَ یا اللهُ»، عاشقی و

نیاز را به اوج می‌رسانند.

امشب، مهتاب مثل همیشه نیست، او نیز نورانی‌تر شده تا با تابش رحمت الهی بر دل‌های تاریک و سیاه، آن‌ها را روشن و الهی کند.

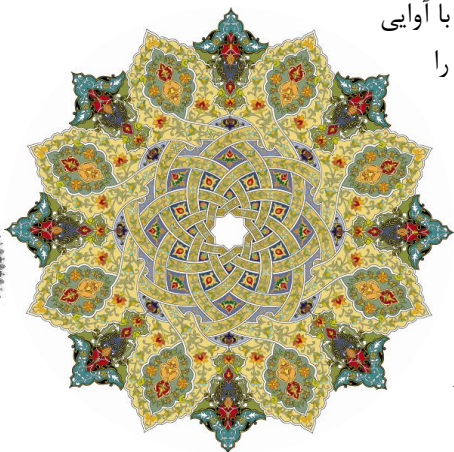
پروردگارا! در این شب، چشم به آسمان دوخته‌ام و سر بر آستان کبریایی تو.

بارالها! تسبیح گوی توام، چشم به افق دوخته‌ام و

در مدار نگاهم نظاره‌گر کهکشان مهربانی تو هستم.

یا نور! هیچ یاریگری نیست جز مهربانی تو، پس دستم بگیر؛ هیچ تکیه‌گاهی نیست جز پناهگاه مودت و رحمت تو، مرا نزد خویش بپذیر.

قطرات اشک و ناله‌های سوزناک، آرام آرام دلم را به سویت می‌کشاند.



مهربانا! می دانم که شب قدر را فرصتی برای دل سوختگان و عاشقان راحت قرار داده‌ای و من باید این پلکان صعود را در این شب زیبا و نورانی بپیمایم؛ باید راهی به سوی آسمان بیابم؛ باید خود را به ابدیت نزدیک کنم؛ باید هم‌چون فرشتگان، گرداگرد امام هستی بگردم؛ باید بروم به سوی نورانیت؛ باید وجودم را در آینه خوبی‌ها منعکس کنم؛ باید در این شب، خود را پیدا کنم که



سال‌هاست گم کرده

راهم و اسیر پندارهای

خویش؛ باید در این

جاده تنهایی گام

بردارم، عاشقانه ناله

«بِكَ يَا اللَّهُ» سر دهم

و بند بند «یاغیاث

المستغیثین» را

بر لوح دلم حک کنم.

باید رنگ خدا گیرم که شب قدر، شب زیبایی‌هاست، شب آسمانی شدن است. شب هم‌نشینی با فرشتگان است. شب توبه و استغفار، شب وعده با خداست و من آمده‌ام با چشمانی اشکبار و دستانی تهي و کوله‌باری از گناه که بر دوشم سنگینی می‌کند.

آمده‌ام تا همیشه نیازم را با بی‌نیازی وجودش یک‌رنگ کنم. آمده‌ام تا تسبیح توبه و استغفار را دانه‌دانه بشمارم. آمده‌ام تا وجودم را در اقیانوس بی‌کران رحمت الهی غرق کنم.

آمده‌ام ای خوب‌ترین! ای بهترین! ای مهربان‌ترین! تا در میهمانی بندگانت مرا نیز بپذیری و بخشش گناهان را بدرقه راهم کنی.

آمده‌ام تا به چهارده نور پاک، قَسَمَت دهم و والاترین کتاب را بر سر بگیرم و بالاتر روم.

مرا به خویش وامگذار و در این شب، با بهترین دوستانت هم‌نشین کن

و از خویش مَران که بی‌تو حیرانم و سرگردان...

کعبه ای به نام شب قدر

شبانگهان که خورشید رخ در نقاب غروب می کشد و تاریکی دامن می گسترده، مرگ رنگ فرا می رسد، رنگها که در روز تمام چشم را پر می کردند و دیدن ورای آن را مانع می شدند، با رفتن خورشید، رخت بر بسته، دیدن بی واسطه را ارزانی می دارند. رنگها خود پوشاننده حقایقند ولی تاریکی در غیاب رنگ، اسرار را هویدا می سازد؛ البته نه برای همگان.

شب قدر که شاه شب همه ایام است، رستن از تمام رنگها و وابستگیها و پیوستن به حقیقت و بی رنگی است.

به یاد آوریم آیاتی از قرآن کریم را که پیامبر ﷺ را به تهجد و بیداری در شب فرا می خواند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ، قَدْ اللَّيْلَ الْأَقِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ نَقْصَ مِنْهُ قَلِيلًا؛

ای جامه به خویشتن فرو چیده، بر پانزیر شب را مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن را بجا. (۱)

این چه شگفتی است در بیداری شب که خداوند، حیثیت را با دستور مؤکد و مستقیم بدان رهنمون می سازد؟

چه ماهی که ره آب بر ته ابی بر خود؟

بدانک آب حیات اندرون تادیکیت

زهر خواب ندارد کسی چنین معبد (۲)

درون کعبه ی شب یک نماز صد باشد

۱. المزمّل، ۱ و ۲ و ۳.

۲. دیوان شمس کاسبی، عزیزالله ص ۳۸۰.

اگر یک شب عادی (غیر از شب قدر) یک نماز را در کعبه خود صد نماز کند، شب قدر که از هزار ماه برتر است چگونه خواهد بود؟ در نظر داشته باشیم که توصیفات خداوند با توصیفات آمیخته با اغراق و تعارف ما بس متفاوت است. خداوند در قرآن کریم فرموده است:

«لِيلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنَ الْفِ شَهْرِ»

و پیش از آن متذکر شده است:

«وَمَا دَرَيْتُكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ»^(۱)

ما را بر عظمت و شناسایی آن راهی نیست، تنها می‌توان در زیر باران رحمت "لایله القدر" ایستاد تا بر ما ببارد و جانهایمان را از آب زلال خود شست و شوداده و پاک سازد.

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ

بِقَدَرِهَا؛

خداوند آبی را از آسمان نازل کرد، پس جوی‌ها هر کدام

بر تناسب ظرفیت خود آب گرفته به حرکت درآمدند...»^(۲)

برحسب معنای باطن، مراد از باران،

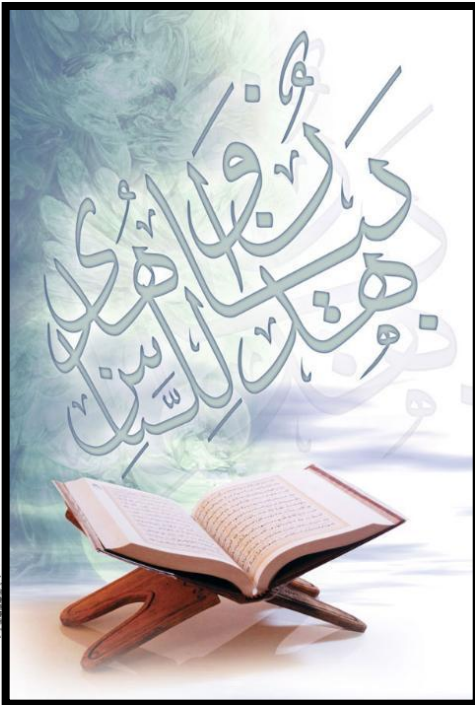
هر رحمتی است که از جانب خدا بر انسان فرود می‌آید و در شریان‌های جاننش قرار گرفته، او را به حرکتی هماهنگ با هستی در می‌آورد...^(۳)

از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام و بزرگان دین، شب زنده‌داری و احیاء لیلی قدر بسیار سفارش شده است، آیا در این شب ما هستیم که بیداریم یا این شب قدر است که ما را بیدار نگه می‌دارد؟ آیا در این شب جسم بیدار، ما را به مقصود می‌رساند یا آنکه بیداری جان باید تا راه، نمایان گردد؟

۱. قدر، ۲ و ۳.

۲. رعد، ۱۷.

۳. طالقانی، سید هدایت الله؛ بر کرانه؛ ص ۱۵۷.



چشم سر را باید بیدار داشت تا چشم جان بیداری و بینایی یابد، دل از بندها برهد و پرده‌ها از دیده‌گان فرو افتد. آیا در تمام لیلای قدری که ما سپری کرده‌ایم این بینایی بر ما حاصل شده است؟ و ما چه زینکاریم اگر از شب قدر تنها بیداری چشم نصیمان شود و راهی به ورای آن، بر اقلیم جان نیابیم.

مُخِبُّ اِي يَارِ مَهْمَانَ دَارِ اَشْبِ كِه تُو رُوحِي وَ مَا يَمَارِ اَشْبِ
 بَرُونِ كُنِ نَوَابِ رَا اَزِ شَمِ اَسْرَارِ كِه تَا مَيَا اَشُو، اَسْرَارِ اَشْبِ (۱)

می‌گویند در این شب، قرآن از لوح محفوظ بر بیت‌المعمور نازل شده است و پس از آن بر قلب



پیامبر ﷺ؛ می‌گویند در این شب، سرنوشت تمام جهانیان بر قطب عالم امکان حضرت ولیعصر عجلتعالیه عرضه می‌شود، می‌گویند در این شب فرشتگان نازل می‌شوند و بر گرد امام عصر عجلتعالیه طواف می‌کنند؛ می‌گویند در این شب فرشتگان از کنار هیچ مؤمنی عبور نمی‌کنند جز آنکه بر او سلام کنند، می‌گویند در این شب سکینه و آرامش بر تمام کائنات حکمفرماست؛ می‌گویند از شب تا به سحر، الطاف خداوند است که بر بندگانش نازل می‌شود...

و با این همه ما از شب قدر چه می‌دانیم که چه بزرگ است؟ خطاب "ما ادرئک" ما هستیم نه رسول الله ﷺ که او شهر علم است؛ ولی بی‌گمان راه دانستن مسدود نیست. بی‌تردید، دانستن، فهمیدن، ایمان آوردن و چشم جان گشودن و دلی صاف یافتن، رزق‌های پاک خداوندند. امید که در شبی چنین بزرگ از این نعم بی‌بهره نمانیم.

نقش انسان در مقدرات شب قدر

حالات و دریافت‌های شخصی

کسانی که اهل دعا و راز و نیاز و اهل شب قدر هستند، نقش خویش را در این شب به خوبی دریافت‌اند. گاهی این حالات آن چنان ژرف و تاثیرگذار است که تا شب قدر آینده و بلکه تا آخر عمر، در همه افکار، اخلاق، کردار و رفتار شخص رخنه کرده و آن را در یک خط و سیر معنوی قرار می‌دهد. دیگرانی هم که به این حد از معنویت راه پیدا نمی‌کنند، به فراخور حال خود از مجالس و محافل و شب‌زنده‌داریهای شب قدر بهره‌برداری کرده و فیض معنوی می‌برند.

ریشه اصلی این دگرگونی‌ها و حالات، به خود افراد باز می‌گردد و اینکه تا چه حد خود را آماده بهره‌برداری از برکات شب قدر و فضیلت‌های آن کرده باشند. اگر معنویاتی که در شب قدر نصیب انسان شده و در زندگی فرد تحولی آفریده، هیچ ارتباطی با او نداشته باشد و تنها به خدا و فرشتگان مربوط باشد (که هر چه بخواهند، برای هر کس بدون ملاحظه حالاتش تقدیر کنند) در این صورت مقتضای حکمت و مصلحت این است که یا به هیچ کس هیچ ندهند

و یا آنچه می‌دهند، برای همه یکسان و علی‌السویه باشد؛ درحالی که ما می‌دانیم همه برکات خداوندی در شب قدر برای بندگان سرازیر می‌گردد و با اختلاف و تفاوت به آنان داده می‌شود؛ بنابراین تنها دلیل این تفاوت، اعمال و میزان تلاش خود بندگان است و بس.

پس برای درک نقش افراد در مقدرات شب قدر، باید دید تا چه اندازه دگرگونی در همین شب با برکت در آنان ایجاد گشته است.

شناساندن شب قدر

خداوند تبارک و تعالی با نزول سوره مبارکه قدر، این شب با عظمت را به مردم معرفی فرموده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ،
 تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ، سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ،
 بر نام خداوند محترم مهربان

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، و از شب قدر چه آگاهت کرد، شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است،
 در آن شب فرشتگان باروح به فرمان پروردگارشان برای حرکاتی که مقرر شده است [فروید آیند،
 آن شب [آدم صبح صلح و سلام است.

فردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: «مراد و مقصود از اینکه شب قدر بهتر از هزار ماه است چیست؟»
 حضرت فرمودند:

«کارشایسته از قبیل نماز و زکات، صدقات، انفاق و انواع خوبی‌ها در آن شب

برتر از هر کارشایسته‌ای است که در مدت هزار ماه که شب قدر در آن نیست، انجام شود.»

اگر کارهای نیک بندگان و چند برابر پاداش آن تاثیری در مقدرات و سرنوشت افراد در شب قدر ندارد، از گفتن و دانستن آن چه سودی عاید بندگان می‌شود؟ اگر نزول قرآن در شب قدر و بیان کردن این مطلب، سود و زبانی را متوجه هیچ‌کس نمی‌کند، چه انگیزه‌ای در اعلام این شب نهفته است؟ اگر دانستن نزول فرشتگان، در نتیجه تلاش افراد سودمند نباشد، چرا باید مردم در جریان آن باشند و دانستن آن چه گره‌ای از کار بندگان می‌گشاید؟

می دانیم که کار بیهوده حتی از افراد عادی و معمولی پسندیده نیست، چه رسد به پروردگار آسمان و زمین که هیچ کاری را بدون حکمت و مصلحت انجام نمی دهد. حکمت معرفی شب قدر به عنوان شبی که قرآن در آن نازل شده و شبی که مقدرات در آن سامان داده می شود، این است که بنده سرنوشت و مقدرات خویش را به قرآن پیوند زده و آن را سرمشق و سرچشمه فکر و عمل خویش قرار دهد. اگر کردارش موافق با قرآن و در جهت آن باشد، عمل کننده به آن سعادتمند است و اگر خدای نکرده مخالف با قرآن باشد، فاعل آن شقی خواهد بود.

احیاء شب قدر حتی در حال بیماری



امام صادق علیه السلام به ابوبصیر

می فرمایند:

در هر یک از دو شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت نماز بخوان، تا می توانی آن دو شب را تا سپیده صبح شب زنده داری کن، در آن دو شب غسل کن.

ابو بصیر عرض کرد: اگر نتوانستم ایستاده نماز بخوانم؟ فرمودند:

نشسته بخوان. اگر باز هم نتوانستم؟ خوابیده بخوان.

اگر باز هم نتوانستم؟

« ایرادی ندارد که سر شب کمی بخوابی و باقی مانده شب را، به هر نحوی که می توانی به عبادت بپردازی، چون در ماه رمضان، درهای آسمان گشوده است، شیطان ها در زنجیرند و اعمال مؤمنان پذیرفته می شود. »



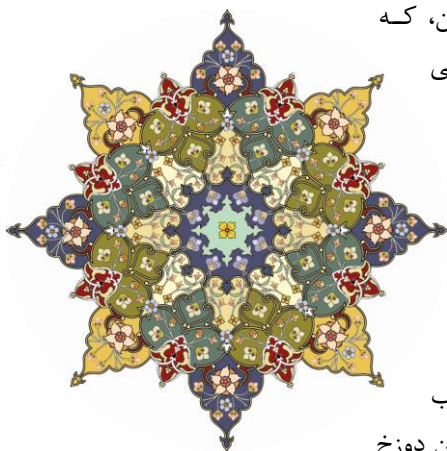
از حدیث فوق، می‌توان تأثیر فراوان کارهای انسان را بر سرنوشت او ارزیابی کرد. «ابوبصیر» که فردی زبردست و کار کشته در فن روایت است، با پیش بردن مرحله به مرحله سؤال‌ها در صدد آن است که ژرفای شب قدر و اهمیت عمل در آن شب را به دست آورد؛ امام علیه السلام نیز، چنان بر اهمیت عبادت در شب قدر پافشاری می‌فرمایند که راضی نمی‌شوند بنده حتی اگر بیمار باشد، از نتیجه اعمال صالح خویش محروم گردد. نکته در خور توجهی که تأثیر انسان را در مقدرات شب قدر مشخص می‌کند، جمله پایانی امام علیه السلام است که آن را به عنوان ریشه و علت تأکید و تشویق بر عمل صالح بیان فرموده‌اند:

«و تقبل اعمال المومنین؛ اعمال مومنان در شب قدر پذیرفته می‌شود.»

تشویق به راز و نیاز



دعاهای وارده در شب قدر، از طولانی‌ترین و پر محتواترین ادعیه محسوب می‌شوند؛ دعاهایی مانند «جوشن کبیر»، «ابوحمزه ثمالی» و امثال آن، که اگر با توجه خوانده شود، مایه انقلاب و دگرگونی روحی است، ادعیه‌ای که انسان را با دریایی از معارف آشنا می‌کند. انسان با خواندن دعا از یک طرف، با یادآوری لطف، گذشت، کرم، رحمت و بخشش بی‌پایان خدای مهربان او را دستگیر خویش می‌یابد و نور امید در دلش می‌درخشد و از دیگر سو، با یاد آوردن سختی‌های جان‌دادن، تنگی و فشار قبر، گرفتاری‌های عالم برزخ، حساب و کتاب فردای قیامت، شعله‌های دردناک و سوزان دوزخ و حسابرسی دقیق در صحرای محشر، تمام وجودش سرشار از ترس و نگرانی گردیده و آنچه عیش و نوش است فراموش می‌نماید.



در این حال فرد گذشته خود و آنچه بوده و کرده است را با آنچه باید باشد می‌سنجد و زبانی که در گذشته متوجه وی شده است را در می‌یابد و علاوه بر شک و تردیدی که نسبت به راه و روش نامطلوب خویش پیدا می‌کند، ندامت سراسر وجودش را پُر کرده، تصمیمی سرنوشت‌ساز می‌گیرد و مسیر زندگی‌اش را دگرگون می‌کند. اگر فرد به این مرحله هم نرسد، حداقل بر کردار خود بیشتر مواظبت خواهد داشت؛ زیرا بیم و امیدی که دستاورد شب قدر است در مراحل زندگی به یاری‌اش می‌شتابد. در مقابل، اگر کسی از دعا روی برگرداند و شب قدر را هم به غفلت سپری کند، در همان جمود و غفلت، زندگی را به پایان خواهد برد و سرنوشتی شقاوت‌بار در انتظارش می‌باشد.

نکوهش بهره نبردن از شب قدر



پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

«از خداوند به دور باد و نفرین بر کسی که به شب قدر برسد و زنده باشد،

اما آمرزیده نشود.»

با این حدیث نقش انسان در تعیین سرنوشت خود واضح‌تر می‌گردد.

«انس بن مالک» از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمودند:

ماه مبارک که به شما رو آورده است؛ در این ماه شبی است که

برتر از هزار ماه است؛ هر کس از فیض شب قدر محروم گردد،

از تمام خیرات بی‌نصیب مانده است و محروم نمی‌ماند از برکات شب قدر،

مگر کسی که خویشتن را محروم کرده است.

در روایات، ارتکاب بعضی از گناهان را مانع بهره‌برداری فرد گناهکار

از برکات شب قدر دانسته‌اند، از جمله آن کارها «دایم‌الخمر بودن»

و نیز «آزار پدر و مادر» است.

شب قدر مڪمل اعمال صالح



يکي از دلايل تفضل شب قدر به امت اسلام، کامل و پر کردن پيمانه اعمال صالح مسلمانان و جبران کمبودهای آنان است، تا با دستی پر این جهان را ترک نمایند.

امام باقر علیه السلام در پاسخ به این پرسش که «چرا شب قدر به وجود آمده» و به عبارت دیگر «فلسفه شب قدر چیست؟» می فرماید:

«ولولا ما يضاعف الله للمؤمنين، لما بلغوا ولكن الله عز وجل يضاعف لهم الحسنات؛

اگر خداوند کارهای مؤمنان را چند برابر نکند، به سر حد کمال نمی رسند،

اما از راه لطف، کارهای نیکوی آن ها را چند برابر می فرماید تا کاستی ایشان جبران شود.»

از این روایت به خوبی دریافت می شود که مینا و اساس، عمل صالح، خود بنده است؛ هنگامی که یک عمل صالح معمولی با زمانی پر برکت و مقدس همراه گردد، از ارزشی چند برابر برخوردار می شود و گاه همراه شدن یک عمل صالح با ولایت و امامت می تواند انسان را به اوج شرافت برساند.

پس، راز سعادت مند شدن

انسان ها در شب قدر، عمل اختیاری صالحی است که با عنایت خداوند، برکت یافته و چند برابر می شود. در روایات به پاره ای از اعمال سفارش شده که نتیجه ویژه آن در شب قدر نهفته است.



اعمال نتیجه بخش در شب قدر



❖ نماز:

«انس بن مالک» از پیامبر گرامی اسلام ﷺ روایت کرده که فرمودند:
«کسی که از اول تا آخر ماه مبارک، در نماز جماعت حاضر شود،
بهره‌ای از شب قدر نصیبش شده است.»

❖ افطاری دادن با مال حلال:

«ابوشی‌بن حیان» از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده که فرمودند:
«کسی که با مالی که از راه حلال به دست آورده، روزه داری را افطار دهد،
در تمام شب‌های رمضان فرشتگان بر او درود فرستند و جبرئیل در شب قدر
با وی مصافحه کند، نشانه مصافحه جبرئیل آن است که دل مصافحه شونده
نرم و اشکش جاری می‌شود.»

❖ صدقه:

دربارۀ امام زین العابدین (ع) آمده است:
«در هر روز ماه مبارک یک درهم صدقه می‌دادند، آن گاه می‌فرمودند:
شاید با این کار، شب قدر را دریابم و از آن بهره گیرم.»

❖ شب‌زنده‌داری:

حضرت رسول ﷺ فرمودند:
«کسی که شب قدر را شب زنده داری کند،
تا شب قدر آینده، عذاب دوزخ از او دور گردد.»

❖ غسل:

امام موسی‌بن جعفر (ع) فرمودند:
«کسی که در شب قدر غسل کرده و تا سپیده صبح شب زنده داری کند،
گناهانش آمرزیده می‌شود.»

مهدی موعود عجله تعالی فرجه الیه صاحب شب قدر

چنان که از آیات سوره مبارکه قدر بر می آید، در هر سال شبی است که ارزش و قدر و فضیلت آن از هزار ماه برتر است. در این شب فرشتگان به همراه بزرگ خویش -روح- فرود می آیند و هر امر، فرمان و تقدیری را که از سوی خدا معین شده است، به نزد ولی مطلق زمان می آورند و به او تسلیم می کنند. این واقعیت همواره بوده است و خواهد بود.

این شب در روزگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و پس از ایشان نیز این شب صاحبانی دارد.^(۱) امام جواد علیه السلام در بیان حقایق شب قدر فرموده اند:

« خداوند متعال شب قدر را در ابتدای آفرینش دنیا آفرید؛

همچنین در آن شب نخستین پیامبر و نخستین وحی را آفرید.

در قضای الهی چنان گذشت که در هر سال شبی باشد که در آن شب تفصیل امور و مقدرات یک سال فرود آید. بی شک پیامبران با شب قدر در ارتباط بوده اند و پس از ایشان نیز باید «حجت خدا» وجود داشته باشد؛ زیرا زمین از نخستین روز خلقت خود تا لحظه فنای آن بی حجت نخواهد بود. خداوند در شب قدر مقدرات را به نزد آن کس که بخواهد (وصی و حجت) فرو می فرستد. به خدا سوگند روح و ملائکه در شب قدر بر آدم نازل شدند و مقدرات امور را نزد او آوردند و حضرت آدم درنگذشت مگر این که برای خود وصی و جانشین تعیین کرد. بر هر یک از پیامبرانی که بعد از آدم آمدند نیز در شب قدر امر خداوند نازل می شد و هر پیامبری این مرتبت را به وصی خویش می سپرد.^(۲)

۱. کلینی، اصول کافی، کتاب الحجه.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۶۶.

قرآن در شب قدر

قرآن یک بار در شب قدر بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و بار دیگر در طول بیست و سه سال بر زبان ایشان جاری گردید. پس از گذشت سال‌ها از آن ایام، در دوران ما نیز هر سال در شب قدر تفسیر آیات مربوط به یک سال بر حضرت صاحب الامر علیه السلام نازل می‌شود. بنابراین می‌فرمایند: «اگر شب قدر را بردارند، قرآن را نیز بر می‌دارند.»^(۱)



پس اگر شب قدر نباشد، احکامی از قرآن که دربارهٔ قضایای جدید است نازل نخواهد شد. این عدل نزول، بی‌تردید معلول نبودن شخصی است که احکام بر او فرود آید. اگر چنین شخصی وجود نداشته باشد قرآنی نیز نخواهد بود؛ زیرا قرآن و صاحب الامر علیه السلام هم گام و همراهند و از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شوند.

امام جواد علیه السلام در تعلیمی گران قدر و معرفت‌آمیز می‌فرمایند: «ای پیروان تشیع با مخالفان امامت به سوره «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ» استدلال کنید تا پیروز شوید.

به خدا سوگند این سوره پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله، حجت خدای متعال بر خلق است. این سوره نقطه اوج دین شماست. این سوره نشانه ابعاد علم ماست.

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۲.

شیعیان! همچنین به سوره «حم دخان» که در آن آیه
«اَنَا انزلناه فی لیلة مبارکه» آمده، استدلال کنید!

این سوره (و این مقام) پس از رسول الله ﷺ مخصوص ولی امر (حجت خدا)
در هر زمان است.^(۱)

بنابراین روایات، تا جهان هست، شب قدر هست و تا شب قدر هم هست حجت خدا هست که صاحب شب قدر و حامل علم قرآن است.

در شب‌های قدر چقدر آن خیمه دیدنی است و آن مظهر جمال و جمیل زیارت کردنی، و آن محدوده و فضا که پیوسته جای آمد و شد فرشتگان است تماشایی.

به درستی که مردم در آن شب به نماز و دعا و نیایش اشتغال دارند ولی صاحب این امر ﷺ در کار دیگری است. فرشتگان بر او نازل می‌شوند و امور سال را بر او عرضه می‌دارند، از غروب خورشید تا طلوع آن. پیوسته برای او در آن شب تا طلوع فجر سلام است. چه شود که مطلع‌الفجر سوره قدر که فرج آن بزرگوار است فرا رسد و چنین نویدی گوش دل را صفا بخشد؟

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۲.



اعمال شب های قدر

شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، اولین شب از شبهای با عظمت قدر محسوب می‌شود؛ قدر همان شبی است که در تمام سال شبی به خوبی و فضیلت آن نمی‌رسد و عمل در آن بهتر است از عمل در هزار ماه. در آن شب است که امور سال آینده افراد مقدر می‌شود و ملائکه و «روح» (که اعظم ملائکه است) در آن شب به اذن پروردگار به زمین نازل شده و به خدمت امام زمان عجل الله فرجه مشرف می‌شوند و آنچه برای هر کس مقدر شده است بر امام عجل الله فرجه عرضه می‌کنند.

اعمال شبهای قدر بر دو نوع است:*

قسمت اول: اعمالی است که در هر سه شب باید انجام شود (اعمال مشترکه)

قسمت دوم: اعمالی که مخصوص است به هر شبی.

اعمال مشترکه شب های قدر

غسل



علامه مجلسی (رحمه الله) فرمود: شایسته است غسل این شبها مقارن با غروب آفتاب انجام شود و نماز مغرب و عشاء پس از آن اقامه شود.

* تمامی مطالب این قسمت از کتاب شریف مفاتیح الجنان استخراج شده است.

دو رکعت نماز

در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه توحید خوانده می‌شود و بعد از فراغت از نماز، هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» گفته شود. در روایتی از رسول مکرّم اسلام ﷺ آمده است که فرد نماز گزار از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او و پدر و مادرش را ببامزد.

قرآن مجید را بگشای، در مقابل خود قرارده و بگوی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنزَلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى
وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَى أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ»

سپس حاجات خود را از خداوند قادر طلب نما.

قرآن شریف را بر سر گزارده و بگوی:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ وَبِحَقِّ مَنْ أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَبِحَقِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَدَحْتَهُ فِيهِ
وَبِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلَا أَحَدًا عَرَفَ بِحَقِّكَ مِنْكَ»

پس ده مرتبه بگوید: «يَا اللَّهُ» و ده مرتبه «بِمُحَمَّدٍ» و ده مرتبه «بِعَلِيٍّ»

و ده مرتبه «بِفَاطِمَةَ» و ده مرتبه «بِالْحَسَنِ» و ده مرتبه «بِالْحُسَيْنِ»

و ده مرتبه «بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ» و ده مرتبه «بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ» و ده مرتبه «بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ»

و ده مرتبه «بِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ» و ده مرتبه «بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى» و ده مرتبه «بِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ»

و ده مرتبه «بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ» و ده مرتبه «بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ» و ده مرتبه «بِالْحُجَّةِ»

سپس حاجات خود را از خداوند بی‌نیاز طلب نما.

زیارت امام حسین علیه السلام

آمده است که: با فرا رسیدن شب قدر، منادی از آسمان هفتم ندا می کند که حق تعالی هر که را به زیارت قبر حضرت سیدالشهدا علیه السلام آمده است را آمرزید.

احیا داشتن این شیها

روایت شده است: هر که احیا دارد شب قدر را، گناهان او آمرزیده شود هر چند به عدد ستارگان آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد.

صد رکعت نماز با فضیلت بسیار

افضل آن است که در هر رکعت بعد از حمد، ده مرتبه توحید قرائت شود.

دعایی که از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا ذَا خِرَالِ أَمَلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا أَصْرَ عَنْهَا سُوءَ
أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِضَعْفِ قُوَّتِي
وَقَلَّةِ حِيلَتِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْجِزْ لِي مَا
وَعَدْتَنِي وَجَمِّعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْمَغْفِرَةِ
فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ مَا أَيْتَنِي فَإِنِّي عَبْدُكَ
الْمَسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ الْمَهِينُ اللَّهُمَّ
لَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا [غَافِلًا] لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا آيِسًا مِنْ
إِجَابَتِكَ وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي فِي سَرَّاءٍ [كُنْتُ] أَوْ ضَرَّاءٍ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَحَاءٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَلَاءٍ
أَوْ نُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءٍ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.»

« کفعمی » روایت کرده است که امام زین العابدین علیه السلام این دعا را در شبهای قدر می خواندند در حال قیام و قعود و رکوع و سجود و علامه مجلسی (ره) فرمود که بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن زنده و مرده است و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام آنچه مقدور شود.

دعای جوشن کبیر

در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در این سه شب بخوانند.

روایت شده است که خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض شد که اگر من درک کردم شب قدر را چه از خداوند خود بخواهم؟ حضرت فرمودند: عافیت را.

اعمال مخصوص به هر شب:

اعمال شب نوزدهم

صد مرتبه:

« أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ »

صد مرتبه:

« اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ »

خواندن این دعا:

«يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَبْقَى وَيَقَى كُلُّ شَيْءٍ يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَيَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ وَلَا بَيْنَهُنَّ إِلَهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ.»

خواندن این دعا:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدَلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»

و بجای این کلمه حاجت خود را ذکر نما.

شب بیست و یکم

فضیلت این شب بالاتر از شب نوزدهم است و باید اعمال آن شب را از «غسل»، «احیاء»، «زیارت»، «دو رکعت نماز با هفت قل هو الله»، «قرآن بر سر گرفتن»، «صد رکعت نماز»، «دعای جوشن کبیر» و غیره در این شب به عمل آورد. در روایات به غسل، احیاء و جدیت در عبادت این شب و شب بیست و سوم تاکید بسیار شده است چراکه بنابر روایات، شب قدر یکی از این دو شب است.

مؤمنین می توانند از این شب دعا‌های شب‌های دههٔ آخر ماه مبارک قرائت نمایند که از جمله این دعا است که «شیخ کلینی» در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است:

در دهه آخر ماه رمضان در هر شب بخوان:

«أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ أَوْ يَطَّلِعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبِعَهُ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ.»

حضرت صادق علیه السلام در هر شب از دههٔ آخر ماه مبارک بعد از فرائض و نوافل می خواندند:

«اللَّهُمَّ ادْعَنَا حَقَّ مَا مَضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَاعْفِرْ لَنَا تَقْصِيرَنَا فِيهِ وَتَسَامَهُ مِنَّا مَقْبُولًا وَلَا تَوَاخِذْنَا بِإِسْرَافِنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمَرْحُومِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُحْرُومِينَ.»

حضرت فرموده‌اند: هر که این دعا را بخواند، حق تعالی تقصیری که از او در ایام قبل از ماه رمضان سر زده است را می‌آمرزد و او را از ارتکاب معاصی در بقیهٔ ماه ننگه خواهد داشت.

«سید بن طاوس» در اقبال از «ابن ابی عمیر» نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از دههٔ آخر می خواندند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ...» (رجوع به مفاتیح الجنان)

در شب بیست و یکم این دعا نیز روایت شده است:

«يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَمُوَلِّجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ

وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا اللَّهُ يَا حَبِيبَ يَا اللَّهُ

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...» (رجوع به مفاتیح الجنان)

دعای ذیل نیز در شب بیست و یکم روایت شده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْسِمْ لِي حَلْمًا يَسُدُّ عَنِّي بَابَ الْجَهْلِ
وَهُدًى تَمُنُّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ ضَلَالَةٍ وَغَنِّي تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ فَقْرٍ...»

در هر شب از شبهای این دهه، «غسل» مستحب است و روایت شده است که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در هر شب این دهه غسل می کردند.

بهترین زمان برای اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان است و روایت شده است که اعتکاف این دهه ارزشی برابر دو حج و دو عمره است.

شب بیست و سوم

در «هدیه الزائر» آمده است که شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان نسبت به شب نوزدهم و بیست و یکم از فضیلت بیشتری برخوردار است و از احادیث فراوان برداشت می شود که شب قدر همین شب است و در این شب است که تمام امور مقدر می گردد. برای این شب باعظمت علاوه بر اعمالی که برای دوشب قدر گذشته بیان شد، چند عمل دیگر نیز ذکر شده است:

خواندن سوره های «عنکبوت» و «روم»

حضرت امام صادق (علیه السلام) قسم یاد فرموده اند که هر کس این دو سوره را در این شب قرائت نماید از اهل بهشت است.

تلاوت سورة « حم دخان »

تلاوت سورة « قدر » هزار مرتبه.

تكرار « دعای فرج » در این شب (بلکه در تمام اوقات):

اللهم كن لوليك المحجبه بن الحسن...

خواندن دعای زین:

«اللَّهُمَّ اَمُدِدْ لِي فِي عُمْرِي وَاَوْسِعْ لِي فِي رِزْقِي وَاَصِحِّ لِي جِسْمِي وَتَلْغِنِي اَمَلِي وَاِنْ كُنْتُ مِنْ
الْاَسْقِيَاءِ فَاَمْحِنِي مِنَ الْاَسْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِي مِنَ السُّعْدَاءِ فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَي
نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاَلِهِ يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْتِبُتُ وَعِنْدَهُ اَمْرُ الْكِتَابِ.»

خواندن دعای زین:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وِفِيمَا تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ وِفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ
فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يَبْدَلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ
فِي عَامِي هَذَا الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ
وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتَوْسِعَ لِي فِي رِزْقِي.»

خواندن این دعا:

«يَا بَاطِنَا فِي ظُهُورِهِ وَيَا ظَاهِرَا فِي بَطُونِهِ وَيَا بَاطِنَا لَيْسَ يَخْفَى وَيَا ظَاهِرَا لَيْسَ يُرَى
يَا مَوْصُوفَا لَا يَبْلُغُ بِكَيْفِيَّتِهِ مَوْصُوفٌ وَلَا حَدٌّ مَحْدُودٌ...»

غسل: غیر از غسل ابتدای شب، غسلی نیز در آخر شب وارد شده است.



لازم به توجه است که غسل، احیاء این شب به عبادت، زیارت امام حسین علیه السلام و صد رکعت نماز در این شب بسیار تاکید شده و فضیلت فراوانی برای آن نقل شده است. از «دعائم الاسلام» روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان رختخواب خود را جمع می کردند و کمر خود را محکم می بستند برای عبادت؛ حضرت در شب بیست و سوم اهل بیت خود را بیدار می کردند و آنها را که خواب رفته بود آب به صورتشان می پاشیدند. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نمی گذاشتند در این شب احدی از اهل بیتشان بخوابد؛ ایشان اهل منزل را امر می فرمودند که روز را استراحت کنند تا شب را احیاء بدارند. ایشان می فرمودند: «محروم کسی است که از خیر این شب بی بهره بماند.»

علامه مجلسی (ره) فرمود: شایسته است مؤمنین هر مقدار که ممکن است در این شب قرآن تلاوت نمایند و از ادعیه صحیفه سجادیه بهره مند شوند خصوصاً دعای «مکارم الاخلاق» و «دعای توبه». روزهای قدر نیز حرمت داشته و بهتر است به عبادت و تلاوت قرآن و دعا سپری شود زیرا در احادیث معتبر روایت شده است که: روز قدر در فضیلت مانند شب قدر است.

شب بیست و هفتم

از اعمال خواص این شب «غسل» است.

امام زین العابدین علیه السلام در این شب این دعا را از اول شب تا به آخر آن مکرر می خواندند:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ
وَالْأَسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ.»

او همچنان ناشناخته است

به راستی کدام بُعد از ابعاد وجود امیرالمؤمنین علی علیه السلام را می توان بررسی کرد؟ شجاعت، عدالت، سخاوت، ایثار، گذشت، علم، آگاهی و معرفت، زهد و تقوا و ... کدام یک؟ علی علیه السلام، شخصیتی است دارای ابعاد مختلف و جامع صفات اعداد؛ حضرت فرمانروایی است باصلاحت و در عین حال بردبار، در میدان جنگ دلاوری کم نظیر اما در محراب عبادت، عابدی

گریان؛ با دشمنان قاطع اما در برابر یتیمان و بیوه زنان مهربان و رقیق القلب؛ در سخاوتمندی بی مانند اما در عین حال ساده پوش و به دور از هرگونه تجمل؛ در قضاوت دادگر، بی گذشت و دقیق النظر و...

به راستی شناخت کامل از این دریای ناپیدای فضیلت، تقوا و دانش، برای کسی

امکان ندارد، مگر خدایی که خالق اوست و حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله که معلم و مربی اوست همچنین اولاد مطهرش که پرورش یافتگان مکتب او محسوب می شوند. تنها ایشان هستند که مقام و رتبه او را، چنان که هست، در می یابند و دیگران را راهی به شناخت شخصیت والای او نیست.



امیرالمؤمنین (ع) دریایی است از خصایص عالی بشری، جامع صفات ممتاز یک انسان برتر و به حقیقت انسانی کامل. ایشان در این صفات، تا آنجا پیش رفته‌اند که حتی دشمنانشان نیز زبان به تمجید ایشان گشوده‌اند:

روزی «محقق بن ابی محقن» که از حضرت علی (ع) روی برگردانده و به سوی معاویه رفته بود، برای شادمان ساختن معاویه گفت:

«من از نزد بی‌زبان‌ترین مردم به نزد تو آمدم!»

این چاپلوسی چنان مشمئزکننده و بی‌جا بود که معاویه گفت: «وای بر تو! علی بی‌زبان‌ترین افراد است؟! قریش پیش از علی، از فصاحت آگاهی نداشت، علی به

رسول اکرم (ص) خطاب به مولا محمد فرماید

يا اعلی لا یعرفک الا الله و انا

ای علی! تو را هیچکس شناخت جز خدا و من

قریش درس فصاحت آموخت!»^(۱)

«طه حسین» نیز درباره امام (ع) چنین می‌گوید:

«من پس از وحی و سخن خدا، سخنی پر جلال‌تر

و شیواتر از سخن ایشان ندیده و نمی‌شناسم.»^(۲)

۱. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۱۹.

ایستادگی حضرت در برابر ناکثین، قاسطین، مارقین و آنان که می‌خواستند اسلام را از مسیر اصلی‌اش منحرف ساخته، به وادی انحراف، امتیازات طبقاتی و سنن جاهلی بکشانند، حقیقتی است روشن.

حلم و صبر و سکوت حضرت در مدت بیست سال و اندی، به خاطر مصالح کلی اسلام و مسلمین، در حالی که «خار در چشم و استخوان در گلو» داشتند، حقیقتی است دردناک و شگفت‌انگیز که تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد.

علی علیه السلام در آن گردبادهای اغراض و جهالت و در طوفان‌های کینه‌توزی از مطامع دنیوی، ناشناخته بود و سخنان آتشین و مواعظ از دل برخاسته‌اش در دل‌های قساوت گرفته و سنگین، کمتر اثری نداشت تا جایی که امام علیه السلام سر به بیابان می‌نهادند و درد دل را تنها با اصحاب خاص‌شان در میان می‌گذاشتند یا در سکوت عمیق چاه درد تنهایی را باز می‌گفتند.

علی علیه السلام که چشمه‌های حکمت و دانش از سستیغ کوهساران شخصیت ولایت ریزان بود و قادر بود سعادت دو جهان را برای همگان به ارمغان آورد؛ او که به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناتر بود؛ او که از شمیم روح‌پرور وحی محمدی صلی الله علیه و آله بهره‌مند شده و از کودکی در آغوش پرمهر نبوت پرورش یافته بود؛ او که عادل‌ترین داوران و شجاع‌ترین دلاوران، امیرمؤمنان و پناهگاه ستم‌رسیدگان و دردمندان بود؛ همچنان ناشناخته ماند و جز تنی چند از یاران وفادارش، دیگران به ارزش وجودی او پی‌نبردند و یا نخواستند پی‌ببرند...

به واقع علی علیه السلام مظلوم تاریخ اسلام است...





الغوث الغوث خلاصنا من النار يا رب

